



داعش؛ تداوم استراتژی، تغییر تاکتیک

فرزاد پورسعید*

اشاره:

گروه تروریستی داعش در تیرماه گذشته، حملات گسترده و متنوعی را در کشورهای مختلف از جمله ایالات متحده، بنگلادش، ترکیه، عربستان سعودی، لیبی، کویت، فرانسه و ... به اجرا گذارد؛ کمالینکه امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران نیز از این حملات مصون نبود، هرچند که پیش از وقوع از سوی نهادهای ذریب امنیتی خنثی شد. بر این اساس، نوشتار حاضر به تبیین و تحلیل این حملات می‌پردازد و آن‌ها را نشانه‌ای از ورود داعش به دوره جدید فعالیت خود می‌داند که مقابله مؤثر با آن نیازمند ائتلاف جهانی قربانیان داعش با محوریت تأکید بر امنیت پایدار و عدالت‌محور است.

مقدمه

با آزادسازی شهرهای الرمادی و فلوچه از چنگ داعش توسط ارتش عراق تا پایان تیرماه، به تدریج فصل جدیدی از فعالیت‌های داعش و گروه‌های تکفیری مرتبط با داعش در منطقه آغاز شده که طلیعه آن را می‌توان در افزایش حملات تروریستی این گروه در ماه مبارک رمضان مشاهده کرد. به بیان دیگر، ناکامی‌های داعش در حوزه قلمرو جغرافیایی‌اش در عراق و سوریه، نویددهنده آغاز دوره جدیدی است که پایان آن می‌تواند سرزمین‌زدایی از خلافت خودخوانده داعش باشد. این وضعیتی است که داعش نیز آن را درک کرده و متناسب با آن سناریوی جدیدی را در خصوص حوزه‌های جغرافیایی عملیات خود تدارک دیده است. در این صورت پرسش مهم این است که این سناریو چیست و چه نسبتی با استراتژی‌ها و تاکتیک‌های عملیاتی داعش دارد؟ نوشتار حاضر به این پرسش پاسخ می‌دهد.

افزایش حملات تروریستی در گستره جهانی

در آستانه ماه مبارک رمضان، داعش در پیامی صوتی از هواداران خود خواست این ماه را به ماه شهادت و جهاد علیه کفار تبدیل کنند. ابومحمد عدنانی سخنگوی داعش در پیامی صوتی از هواداران این گروه خواست ماه رمضان را ماه مصیبت کافران، شیعیان و مسلمانان مرتد کنند. وی گفت: «ای مسلمانان، در هر مکانی که هستید حلول ماه رمضان را به شما تبریک می‌گویم. از این ماه بهره‌گیرید و بدانید بهترین کارهای نیک نزد خداوند، جهاد است. از این رو، بشتابید به جهاد و شهادت در این ماه. خوشا به حال کسی که رمضان را در مسیر جنگ در راه خدا بگذراند». عدنانی همچنین خواستار تشدید حملات در ماه رمضان علیه مسیحیان، اهل سنت و شیعیانی شد که در ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا حضور دارند. عدنانی در پایان از اعراب کشورهای عربستان و سوریه خواست علیه حاکمان خود بپاخیزند. بسیاری معتقدند این بیانیه، در واقع، واکنشی به ناکامی‌های داعش در اراضی متصرفه‌اش بوده است. از دست دادن تدریجی الرمادی، تکریت و فلوچه در عراق و سرت در لیبی و محاصره تقریبی موصل در عراق و رقه در سوریه، داعش را بر آن داشت که با افزایش تحرکات خود، معادلات را در عرصه نبرد تغییر دهد و ظرفیت‌های مغفول‌مانده استراتژی خود را فعال نماید. در مجموع داعش تا کنون نیمی از زمین‌هایی که در عراق اشغال کرده



بود و ۲۰ درصد از مناطق اشغالی در سوریه را از دست داده است. در اولین رویداد پس از این فراخوان، ظهر روز ۲۳ خرداد به وقت تهران، فردی به نام «عمر متین» با مسلسل وارد یک کلوب شبانه هم جنس گرایان در شهر اورلاندو در ایالت فلوریدای آمریکا شد و ۵۰ نفر را کشت؛ این حادثه ۵۳ مجروح نیز بر جای گذاشت. متین از شب هنگام تا اوایل صبح، ۵ نفر را گروگان گرفته بود که با فرارسیدن صبح، نیروهای پلیس وارد عمل شدند و وی را کشتند. ساعاتی پس از این کشتار، گروه تروریستی داعش مسئولیت این حمله را بر عهده گرفت و آن را منتسب به هواداران بی نام و نشان خود (گرگ های تنها) کرد.

در ایران نیز در روز ۳۱ خردادماه، وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه ای از خنثی سازی بزرگترین توطئه تروریستی گروه های تکفیری وهابی در عمق کشور و در تهران خبر داد. در این بیانیه آمده بود که «... یکی از بزرگترین توطئه های تروریستی گروه های تکفیری وهابی، در روزهای منتسب به حضرت خدیجه کبری (س) کشف و خنثی شد. در طرح جنایتکارانه گروهک ضداسلامی، تروریستی و تکفیری داعش، سلسله بمب گذاری هایی در نقاط متعدد در عمق کشور و مشخصاً برای مناسبت های پیش رو تدارک دیده شده بود که با توکل و توسل و فداکاری های سربازان گمنام امام زمان (عج) در تهران و چند استان دیگر، اقدامات شیطانی تروریست های تکفیری خنثی سازی شد، تروریست ها بازداشت شدند و تعدادی بمب های آماده انفجار و مقادیر انبوهی مواد اولیه انفجاری کشف و ضبط گردید». پس از آن، اعترافات عوامل بازداشت شده داعش ۱۴ تیرماه از شبکه های خبر و دو سیما پخش شد. در این مستند، عوامل داعش بدون پوشش چهره، شکل گیری، تهیه امکانات و نحوه اجرای عملیات تروریستی در شهر تهران را تشریح کردند. تروریست های داعش مواد منفجره برای ۵۰ عملیات تروریستی بزرگ در تهران را تهیه کرده بودند که با تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج) دستگیر شدند. در این مستند، با نام «عمق ناکامی»، یکی از عوامل داعش از دریافت ۶۰۰ هزار یورو پول و برگزاری برخی جلسات در مقابل پارک دانشجو سخن می گوید. وی همچنین اذعان داشت که داعش به ما دستور داد خودروهایی با پلاک تهران و حومه برای انجام عملیات در پایتخت ایران، تهیه کنیم. همچنین در این مستند، فیلم هایی که به طور مخفیانه توسط وزارت اطلاعات از تردها، جابه جایی خودروها و مواد منفجره این

عوامل در تهران به خصوص در حومه پارک دانشجو گرفته شده، برای نخستین بار پخش شد. سلسله عملیات دستگیری تروریست ها از ۲۵ خرداد ۱۳۹۵ آغاز و آخرین ضربه های اطلاعاتی در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ بر این گروه وارد شد که در پی آن ده تروریست تکفیری وهابی در تهران و سه استان مرزی و مرکزی کشور در این عملیات دستگیر شده اند. در ترکیه، در روز سه شنبه ۸ تیرماه، سه عامل انتحاری بعد از ورود به فرودگاه بین المللی آتاتورک استانبول، ابتدا به سمت مسافران آتش گشودند و سپس خود را در اماکن پر ازدحام فرودگاه منفجر کردند که بر اثر آن ۵۰ نفر کشته و ۲۳۹ نفر نیز زخمی شدند. ترکیه در پی این حملات، یک روز عزای عمومی اعلام کرد. طبق اعلام استانداری استانبول، پنج تن از کشته شدگان شهروند عربستان، دو تن عراقی، یک از بکستانی، یک تن ایرانی و یک نفر از اوکراین بوده اند.

در بنگلادش، در شامگاه جمعه ۱۱ تیر، گروهی متشکل از ۹ فرد مجهز به تفنگ و بمب های قابل پرتاب به رستورانی در یک منطقه دیپلماتیک در داکا حمله کردند و پس از تبادل آتش با نیروهای امنیتی، تعدادی از حاضران در رستوران را به گروگان گرفتند. گروه تروریستی داعش، در بیانیه ای مسئولیت گروگان گیری در شهرک دیپلماتیک در داکا، پایتخت بنگلادش را بر عهده گرفت. خبرگزاری «اعماق» که سخنگوی داعش محسوب می شود، با اعلام این خبر تأکید کرد که «عناصر وابسته به داعش به رستورانی در شهر داکا در بنگلادش که اجنبی ها در آن بودند، حمله کردند. بیش از ۲۰ نفر از ملیت های گوناگون در حمله این افراد به رستوران آرتیزان در داکا کشته شدند».

کراده بغداد نیز، وزیر کشور محمد الغبان را برکنار کرده بود. دلیل عزل الغبان آن بود که وانت مهاجمان با مقدار زیادی مهمات و مواد منفجره بدون هیچ مانعی توانسته بود از پاسگاه‌های کنترل امنیتی عبور کنند. در صبح سه‌شنبه ۲۲ تیرماه نیز در جریان انفجار یک خودروی بمب‌گذاری شده در شمال بغداد، دست کم ۱۲ تن کشته و ۳۰ تن دیگر زخمی شدند. این انفجار در وسط یک بازار تره‌بار در منطقه الراشدیه بغداد و توسط یک خودروی بمب‌گذاری شده رخ داد. بر اساس آمارهای اولیه در این انفجار دست کم ۱۲ تن کشته و ۳۰ تن دیگر زخمی شدند. مقام‌های عراقی این انفجارها را انتقام داعش در برابر آزادسازی فلوجه می‌دانند. روز یکشنبه ۶ تیر (۲۶ ژوئن) نیروهای نظامی عراق اعلام کردند که منطقه «جولان» در فلوجه را نیز از دست «دولت اسلامی» خارج کرده‌اند و بدین گونه بر سراسر شهر مسلط شده‌اند. فلوجه که در ۵۰ کیلومتری غرب بغداد قرار دارد، پس از موصل یکی از پایگاه‌های اصلی «دولت اسلامی» محسوب می‌شود و از سال ۲۰۱۴ در تسخیر داعش بوده است.

در عربستان نیز دو عامل انفجاری شامگاه دوشنبه ۱۴ تیر هنگام افطار خود را در نزدیکی حرم نبوی و مسجدی در شهر قطیف واقع در شرق این کشور منفجر کردند. دقایقی پس از وقوع این دو انفجار، یک عامل انتحاری دیگر خود را در مرکز ایست و بازرسی در نزدیکی حرم نبوی در شهر مدینه منوره منفجر کرد. در حادثه انفجار مدینه، شش نفر از جمله چهار نیروی امنیتی کشته شدند. این حادثه یک روز پس از ناکام ماندن یک عامل انتحاری دیگر در رسیدن به هدف خود در این کشور به وقوع پیوست. شامگاه یکشنبه یک تروریست انتحاری خود را در پارکینگ بیمارستان دکتر سلیمان فقیه در شهر جده منفجر کرده بود. وزارت کشور عربستان، بامداد جمعه ۱۸ تیر اعلام کرد که عوامل انفجارهای اخیر در این کشور از جمله حمله انتحاری به مسجد النبی را بازداشت کرده و این افراد ملیت سعودی و پاکستانی دارند. طبق این خبر، ۱۹ نفر بازداشت شده‌اند که هفت نفرشان سعودی و ۱۲ نفرشان پاکستانی هستند. عامل انفجار حرم نبوی، جوان ۲۶ ساله سعودی به نام «نائر مسلم حماد النجیدی البلوی» بوده است.

در نهایت، در شامگاه پنج‌شنبه ۲۴ تیرماه مصادف با چهاردهم جولای یا روز باستیل، یک دستگاه کامیون مردم حاضر در تجمع روز ملی فرانسه در شهر نیس را زیر گرفت و حداقل ۸۴ کشته و ۱۸۸ زخمی بر جای گذاشت. مطابق اخبار و تصاویر موجود، راننده

در عراق، روز یکشنبه ۱۳ تیر (۳ ژوئیه)، دو خودرو بمب‌گذاری شده در نزدیکی یک رستوران در محله «الکراده» بغداد منفجر شد. این رستوران در محله‌ای پررفت و آمد واقع شده و در هنگام انفجار افراد زیادی مشغول خرید برای عید فطر بودند. در این بمب‌گذاری‌ها ۲۹۲ نفر کشته و ۲۰۰ نفر دیگر مجروح شدند. این انفجار مرگبارترین عملیات تروریستی در بغداد پس از سرنگونی صدام حسین در عراق در سال ۲۰۰۳ به شمار می‌آید. داعش مسئولیت این انفجار را بر عهده گرفت. پس از آن در شامگاه پنج‌شنبه ۱۷ تیر (۷ ژوئیه) در حملات انتحاری در شمال بغداد بیش از ۳۰ نفر کشته و دست کم ۷۰ نفر نیز مجروح شدند. در این واقعه، ۳ تروریست انتحاری در مقابل مرقد سید محمد علی الهادی در شهر بلد در استان صلاح‌الدین نخست با مأموران انتظامی وارد درگیری شدند و سپس خود را منفجر کردند. مرقد سید محمد (فرزند امام هادی (ع)) یکی از زیارتگاه‌های شیعیان است. دو تن از مهاجمان انتحاری در نزدیکی محل انفجار کشته شدند و نفر سوم نیز در حین فرار خود را منفجر کرد. داعش مسئولیت این اقدام را در سایت «اعماق» بر عهده گرفته است. در این سایت آمده که مهاجمان برای دسترسی به حرم، ساعت‌ها با نیروهای مسلح عراقی درگیر شده و سپس اقدام به انفجار کردند. سایت اعماق در اینترنت اخبار مربوط به داعش را منتشر می‌کند و به صورت غیررسمی، خبرگزاری داعش محسوب می‌شود. در پی این رویداد، رئیس پلیس و رئیس سرویس امنیتی عراق و هم‌چنین ژنرال عبدالامیر الشمیری، رئیس عملیات ضدترور بغداد از پست خود معزول شدند. نخست‌وزیر عراق، سه روز پیش‌تر نیز در واکنش به انفجارهای مرگبار در بازار



کامیون بعد از زیر گرفتن مردم آن‌ها را به طول ۲ کیلومتر روی زمین کشیده است. در میان کشته‌شدگان افرادی با ملیت فرانسوی، آمریکایی، فلسطینی، بریتانیایی، تونسی و الجزایری شناسایی شده‌اند. اوراق شناسایی کشف‌شده در کامیون فرد مهاجم، متعلق به «محمد لحویح بوهلال»، شهروند فرانسوی تونسی الاصل ۳۱ ساله‌ای است که در آپارتمانی در شمال نیس ساکن بوده است. بوهلال که پدر سه فرزند است، راننده کامیونی یخچال‌دار بوده که پیش‌تر به دلایل خشونت و خرده‌بزه‌کاری، از جمله دزدی تحت نظر پلیس فرانسه بوده و برای آخرین بار، ماه مارس گذشته برای پاسخ‌گویی به دستگاه قضائی فرانسه احضار شده بود. با این حال، سرویس‌های اطلاعاتی فرانسه تا کنون هیچ مدرکی دال بر ارتباط او با گروه‌های افراطی در اختیار نداشته و درست به همین دلیل در فهرست مظنونان تروریستی قرار نداشته است.

تداوم راهبردی و تغییر تاکتیک

کثرت حملات تروریستی داعش در ماه گذشته و پراکندگی بیشتر این حملات به لحاظ جغرافیایی، این پرسش را پیش می‌کشد که آیا داعش در آستانه ورود به مرحله نوینی از حیات خود است و در این صورت، این تحول را می‌توان به منزله تغییر در استراتژی این گروه تروریستی به شمار آورد؟ در پاسخ باید گفت داعش در شرایط کنونی در وضعیت در حال گذار قرار دارد؛ وضعیتی که در آن این گروه تروریستی، از یک سو، مهم‌ترین اراضی متصرفه خود را در منطقه شامات که آن را سرزمین هجرت و خلافت می‌نامد، از دست داده و از سوی دیگر، هنوز مراکز خلافت خودخوانده‌اش را در سوریه (رقه) و عراق (موصل) در اختیار دارد. در نتیجه، این شرایط گذار می‌تواند به دو وضعیت متفاوت منتهی شود. از یک سو ممکن است با احتمال بالا، در پایان این فرایند شاهد آزادسازی شهرهای رقه و موصل به دست ارتش عراق و سوریه باشیم. در این وضعیت، از داعش سرزمین‌زدایی خواهد شد و این گروه تروریستی از یک خلافت خودخوانده به گروهی جنگ‌سالار و شورشی تنزل خواهد کرد. در این صورت داعش به وضعیت حدوداً ده سال پیش خود در عراق، یعنی وضعیت بی‌سرزمینی بازمی‌گردد و احتمالاً دست به عملیات ایذایی و خرابکاری و تروریسم انتحاری با هدف «بازپس‌گیری سرزمین خلافت» خواهد زد. دلیل این امر آن است که بخش مهمی از دلایل و بستری‌هایی که داعش در پرتو آن‌ها توانسته بود مناطقی از عراق و سوریه را اشغال کرده و اعلام خلافت کند،

هنوز باقی است و داعش این امید را دارد که در پرتو این شرایط و به ویژه خلأ قدرت و شکنندگی دولت در عراق و سوریه، بار دیگر سرزمین خلافت را احیا نماید. البته احتمال تحقق این سناریو اندک است و عملیات ایذایی داعش در بهترین حالت ممکن است به تجزیه عراق و سوریه بیانجامد. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که داعش با گسترش کمی و جغرافیایی عملیات تروریستی خود، همچون گذشته نوعی حاشیه امنیتی برای موصل و رقه ایجاد کرده و با خریدن زمان، به تدریج، بخشی از اراضی از دست رفته را بازپس گیرد. این وضعیت دوم را می‌توان هدف حداکثری داعش از تحرکات تروریستی‌اش در تیرماه دانست که البته احتمال کمی برای تحقق آن متصور است؛ زیرا ارتش و مردم عراق به‌رغم اختلاف‌های عمیق طایفه‌ای و قومی - مذهبی در این کشور، اراده‌ای جدی برای آزادسازی موصل دارند. در هر صورت، بررسی تحرکات داعش نشان می‌دهد گرچه این گروه در سطح تکنیکی به تغییراتی دست زده، اما وضعیت جدید باعث تغییر استراتژی آن از منظر کلان نشده است. به بیان دیگر، داعش در وضعیت جدید، اقدامات نمایی خود مبتنی بر تکنیک «کشتن از راه نزدیک» را محدود و «عملیات انتحاری» را در اولویت اقدامات خود قرار داده است. در واقع، داعش در مرحله استقرار در سرزمین خلافت، به تکنیک نمایی «کشتن از راه نزدیک» روی آورده بود که دو دلیل عمده داشت. دلیل نخست، وحشت‌انگیزی و رعب‌آفرینی بی‌حد و حصری است که این نوع از آدم‌کشی و ترور در پی دارد که شامل مواردی چون سربریدن، سوزاندن، غرق کردن، پرت کردن و مانند آن می‌شود که در بازنمایی رسانه‌ای دوچندان می‌گردد و مخاطب را در اندک زمانی در شوک فرو می‌برد. دلیل دوم

نیز به ماهیت نامتقارن این نوع تکنیک در برابر تکنیک‌های پیشرفته در جنگ‌های نسل جدید غربی‌ها و به ویژه آمریکایی‌ها بازمی‌گردد. در واقع، آمریکایی‌ها در مقوله تحول جنگ، تمام تلاش خود را می‌کنند تا از درگیری و جنگ تن‌به‌تن یا به بیان بهتر، جنگ از نزدیک، اجتناب و دوری کنند. از این رو، تکنیک اصلی آن‌ها در جنگ‌های جدید، کشتن از راه دور است که به ویژه از طریق پهپادها صورت می‌گیرد. داعش تلاش کرد این پیشرفت جنگی را با انتخاب تکنیک کشتن از راه نزدیک، تبدیل به نقطه ضعف و پاشنه آشیل غرب و آمریکا کرده و موجبات هراس آنها را در برابر نیروهای خود فراهم آورد. این تکنیک در وضعیت جدید بلاموضوع می‌شود و نیروهای داعش برای احیای سرزمین خلافت به تکنیک پیشین خود یعنی عملیات انتحاری باز خواهند گشت.

در عین حال، مهم‌ترین تأثیر وضعیت جدید را می‌توان تغییر تاکتیکی داعش در اولویت‌بندی راهبردی خود دانست. در واقع، همان‌طور که نشریه فارین پالیسی در آخرین شماره خود به خوبی تبیین کرده است، استراتژی داعش به لحاظ جغرافیایی شامل سه سطح محلی، منطقه‌ای و جهانی است. به بیان دیگر، این گروه تروریستی مبارزات به‌هم‌پیوسته‌ای را در مناطق جغرافیایی مختلف دنبال می‌کند: استراتژی محلی آن در سوریه و عراق این است که به عنوان یک خلافت، قلمرو خود را حفظ کند و آن را گسترش دهد؛ استراتژی منطقه‌ای آن، تشکیل شاخه‌های مرتبط و گسترش بیعت‌گیری از دیگر گروه‌های تروریستی در سراسر خاورمیانه است که از این طریق می‌تواند دولت‌ها را بی‌ثبات کرده و اراضی بیشتری را تحت کنترل بگیرد. هم‌زمان، با دوقطبی کردن جوامع به دو بخش

طرفدار و ضد اسلام، استراتژی جهانی داعش، این است که شرایط را برای نوعی جنگ آخرالزمانی با غرب مهیا کند. بنابراین، در چارچوب این استراتژی سه‌لایه می‌توان گفت که موج اخیر حملات به بنگلادش، عربستان سعودی، ترکیه، اردن، کویت، مصر و لبنان، لزوماً واکنش انفعالی داعش به از دست دادن اراضی‌اش در سطح لایه اول نبود، بلکه این گروه در حال ظرفیت‌سازی در سطح لایه دوم است و این حملات بخشی از استراتژی داعش برای گسترش قلمرو عملیاتی خود به سراسر جهان اسلام است. بر این اساس، داعش تلاش دارد موقعیت به زحمت ایجادشده خود در «جنبش جهادی جهانی» را حفظ کند و مانع از آن شود که ناکامی در سطح لایه نخست جغرافیایی، موجب از دست رفتن موقعیت هژمونیک در رقابت با القاعده در سطح دوم لایه جغرافیایی استراتژی‌اش شود. دلیل این امر آن است که اگر داعش رقابت در سطح دوم را به القاعده واگذار کند، قابلیت سربازگیری برای احیای سرزمین خلافت نیز با مشکل مواجه می‌شود. برای مثال، بنگلادش مدت‌ها در حوزه نفوذ القاعده قرار داشته است. القاعده در طول ۲۲ سال از ۲۸ سال حیات خود همواره در جنوب شرق آسیا مستقر بوده است. حمله داعش در داکا نوعی قدرت‌نمایی است، آن‌هم در منطقه‌ای که القاعده آن را حیات خلوت خود فرض می‌کند. در سطح سوم نیز داعش در وضعیت جدید، در صدد گسترش عملیات تروریستی در کشورهای غربی است. در حال حاضر، داعش پیروان افراطی خود را برای حمله به هر هدف ممکن در سراسر جهان و به ویژه غرب تشویق می‌کند. داعش می‌تواند از پایگاه‌های باقی‌مانده خود در عراق و سوریه برای انتقال هسته‌های تروریستی به قلب اروپا در قالب سیل پناهجویان استفاده کند. در این چارچوب، برآورد می‌شود که حدود ۵۰۰۰ هزار اروپایی به عراق و سوریه سفر کرده و بعد از آموزش اقدامات تروریستی به اروپا بازگشته‌اند. در روز ۱۶ تیر، «ژان پل لابورد» مدیر کمیته مبارزه با تروریسم وابسته به سازمان ملل در سخنانی در این رابطه اعلام کرد که نزدیک به ۳۰ هزار عنصر تروریستی خارجی در سوریه و عراق حضور دارند و نسبت به خطر حملات احتمالی این افراد پس از بازگشت به کشورهایشان هشدار داد. وی تصریح کرد: «در حال حاضر و با عقب‌نشینی داعش در عراق شاهد این هستیم که این تروریست‌های خارجی در حال بازگشت به اروپا و همچنین کشورهای اصلی‌شان یعنی تونس و مغرب هستند». مقامات ضدتروریست دولت هلند نیز روز دوشنبه ۲۱ تیر (۱۱ ژوئیه) در لاهه گزارش تازه‌ای را منتشر کردند که بر اساس آن در تابستان و پاییز



حتی مرآوده خاصی با یکی از گروه‌های تکفیری، دست به اقدامات تروریستی می‌زنند. در سال‌های اخیر و به ویژه در تیرماه گذشته، موارد زیادی از این دست در استرالیا، ایالات متحده، فرانسه و دیگر کشورهای غربی اتفاق افتاده و ممکن است در دیگر کشورها نیز روی دهد که در این صورت، پیش‌گیری از آن بسیار مشکل خواهد بود؛ زیرا هیچ سطحی از ارتباطات سازمانی برای ردگیری و ردیابی عنصر تروریستی وجود نخواهد داشت.

ضد استراتژی داعش در وضعیت جدید

تا پیش از این، غرب در مواجهه با داعش، راهبرد کلی دور کردن خطر به جای درگیر شدن تمام‌عیار با آن را برگزیده بود و تلاش می‌کرد درگیری با داعش، صبغه حداثی و از راه دور داشته باشد تا حتی الامکان از ضربه‌های داعش به دور بماند. از سوی دیگر، عربستان سعودی و ترکیه نیز برای مصون ماندن از حملات تروریستی، راهبرد باج‌دادن به داعش را برگزیده بودند و تلاش می‌کردند با فراقنی آماج و اهداف حملات تروریستی داعش، آن را متوجه شیعیان منطقه و یا حتی الامکان غربی‌ها کنند. حملات تروریستی داعش در تیرماه نشان داد که هر دو راهبرد و منطق حاکم بر آن‌ها به بن‌بست رسیده و شکست خورده است. به همین دلیل است که غربی‌ها بار دیگر مجبور شده‌اند در مسیر رویارویی مستقیم‌تر با داعش قرار گیرند و راهبرد گذشته را نادیده بگیرند. در این چارچوب، اجلاس ناتو طی دو روز ۱۸ و ۱۹ تیر، در ورشو پایتخت لهستان، با حضور سران ۲۸ کشور عضو ناتو برگزار شد. سران و نخست‌وزیران عضو پیمان ناتو در ورشو طرح‌های مهمی را تصویب کردند. از جمله این مصوبه‌ها حمایت مستقیم هواپیماهای آواکس

گذشته، اعضای گروه «دولت اسلامی» (داعش) «به طور متناوب» از مسیر پناهجویان به سوی اروپا استفاده کرده و وارد کشورهای اروپایی شده‌اند و برخی از آن‌ها نیز در کشورهای عضو اتحادیه اروپا درخواست پناهندگی داده‌اند. اطلاعاتی که سازمان‌های امنیتی در اختیار این مقامات قرار داده‌اند، نشان می‌دهند که «دهه‌تن از داعشی‌ها در اروپا به سر می‌برند و یا در راه اروپا هستند». آن‌ها تحت دستور فرماندهی داعش در سوریه قرار دارند و از سوی شبکه‌های تروریستی محلی حمایت می‌شوند. در این چارچوب، داعش خود را برای حمله در هر زمان و مکانی آماده کرده و به جای دنبال کردن حملاتی با مقیاس بزرگ به مانند آنچه القاعده در یازدهم سپتامبر انجام داد، به دنبال ایجاد ترس و اضطراب و ترویج خشونت در سراسر دنیاست. داعش به دنبال حمله بزرگ و جذاب نیست بلکه استراتژی آن، ایجاد حملات متعدد در مکان‌ها و زمان‌های مختلف برای ایجاد جامعه دوقطبی اسلام‌گرا/ غیرمسلمان در غرب است تا به آن جنگ نهایی و سرنوشت‌ساز نزدیک‌تر شود. داعش می‌داند که حملات تروریستی موفق در غرب؛ به ویژه با توجه به شرایط بحرانی مهاجرت در اروپا، جوامع غربی را علیه مهاجرین تحریک و بسیج خواهد کرد. با افزایش موج احزاب بومی‌گرا و ضد مهاجر، موانع ایجاد این دوقطبی در جامعه غربی رو به کاهش است. در این صورت، برای افراد و گروه‌هایی که در سطوح اول و دوم لایه جغرافیایی استراتژی داعش فعالیت می‌کنند نیز نوعی حاشیه امنیتی و فضای عمل ایجاد خواهد شد و این در شرایط کنونی، مهم‌ترین هدف داعش از بازیگری در سطح لایه سوم است. ابو محمد عدنانی سخنگوی داعش، با تغییر رویکردی قابل توجه، در آستانه ماه مبارک رمضان اعلام کرد که داعش برای کسب سرزمین نمی‌جنگد. عدنانی بار دیگر از طرفدارانش خواست به دشمنان در دیگر کشورها حمله کنند. او گفت: «کوچکترین اقدامی که در قلب سرزمین آن‌ها انجام دهید برای ما بهتر و مطلوب‌تر از آن چیزی است که در کنار ما بتوانید انجام دهید». از همین روست که داعش در وضعیت جدید و در سطح تاکتیکی، بیش از پیش به سرمایه‌گذاری و تربیت و تحریک گریک‌های تنها و به اصطلاح، خودتروریست‌ها روی آورده است. این پدیده که عمده‌تأ حاصل و پیامد فعالیت در شبکه‌های اجتماعی است، بدین معناست که فرد یا افرادی بدون وابستگی گروهی و تشکیلاتی و تحت تأثیر مطالب موجود در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به سمت افراط‌گرایی گرایش پیدا می‌کنند و بدون

ناتو از عملیات بین‌المللی ضد داعش بود. ینس استولتن‌برگ، دبیر کل ناتو در نشست رؤسای جمهوری و رؤسای دولت‌های عضو پیمان ناتو در ورشو گفت از این پس هواپیماهای آواکس از عملیات بین‌المللی ضد داعش حمایت مستقیم می‌کنند. او در ادامه گفت این آواکس‌ها قرار است در حریم هوایی ترکیه و مدیترانه، اطلاعات مربوط به اوضاع در سوریه و عراق را جمع‌آوری کنند. فرانسوا اولاند، رئیس جمهوری فرانسه، اما در نشست رؤسای جمهور و رؤسای دولت‌های عضو پیمان ناتو در ورشو هشدار داد که ناتو نباید تنها روی جریان تروریستی «دولت اسلامی» متمرکز شود و دیگر سازمان‌های تروریستی را از نظر دور بدارد. رئیس جمهوری فرانسه گفت در کنار حمله به مواضع داعش در سوریه و عراق باید مبارزه با جبهه اسلام‌گرای افراطی النصره که با شبکه تروریستی القاعده هم‌پیمان است نیز شدت یابد و این سازمان تروریستی نباید با ضعف اسلام‌گرایان افراطی داعش قدرتمندتر شود. اعضای ناتو همچنین توافق کردند که مکان آموزش نظامی افسران عراقی برای مقابله مؤثرتر با داعش به جای اردن در خاک همین کشور باشد. خبرگزاری فرانسه گزارش داد که تا کنون ۳۵۰ افسر عراقی در این کشور زیر نظر افسران ناتو آموزش نظامی دیده‌اند. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز روز پنج‌شنبه ۱۷ تیر، در مجلس نمایندگان آلمان «بوندس‌تاگ» با تصمیم ناتو در استفاده از هواپیماهای جنگنده در مبارزه با جریان تروریستی داعش موافقت کرد. خانم مرکل در این باره در توضیح برنامه‌های خود در ارتباط با اجلاس آتی ناتو گفت: «با استفاده از آواکس‌های ناتو می‌توانیم برنامه هواپیماهای تجسسی تورنادو در پایگاه هوایی اینجریلیک

در ترکیه را تکمیل کنیم». وزارت امور خارجه آلمان مدت‌ها با خواست دولت آمریکا مبنی بر شرکت ناتو در مبارزه با جریان تروریستی داعش مخالف می‌کرد. دلیل این امر از طرف وزارت امور خارجه آلمان سخت‌تر شدن بحران در سوریه به خاطر مشارکت ناتو در آن ذکر می‌شد. ارتش آلمان اعلام کرده که یک‌سوم خدمه ۱۶ هواپیمای آواکس ناتو آلمانی هستند. آلمان در حال حاضر با هواپیماهای تجسسی تورنادو و یک هواپیمای سوخت‌رسانی در مبارزه با جریان تروریستی داعش شرکت دارد. این کشور همچنین رزمنده‌های کرد را با سلاح و آموزش نظامی برای توانمند شدن در رویارویی با داعش یاری می‌کند.

اشتون کارتر، رئیس پنتاگون نیز صبح دوشنبه ۲۱ تیر، در سفری اعلام‌نشده وارد بغداد شد تا پشتیبانی‌های عملیاتی و لجستیکی برای بازپس گرفتن موصل از دست داعش را با مقامات عراقی هماهنگ کند. قرار است نیروهای جدید آمریکا در پایگاه قیاره مستقر شوند. دو روز پیش از این سفر، ارتش عراق توانسته بود پایگاه هوایی قیاره در جنوب موصل را از اختیار داعش خارج کند. وزیر دفاع آمریکا هم‌زمان اعلام کرد که ۵۶۰ سرباز جدید برای تقویت رویارویی با داعش به نفرت پیشین می‌پیوندند. آن‌ها قرار است در پایگاه هوایی قیاره مستقر شوند. این پایگاه که در ۵۰ کیلومتری موصل واقع شده، یک قرارگاه استراتژیک برای هدف گرفتن مواضع داعش در موصل به شمار می‌رود. در حال حاضر و مطابق آمارهای رسمی، ۴۶۰۰ سرباز آمریکایی در عراق مستقرند. واشنگتن پست در گزارشی برآورد کرده که این میزان به همراه مشاوران نظامی به حدود ۶۰۰۰ نفر بالغ می‌شود.

در عین حال به نظر می‌رسد این سطح از بازنگری غرب در استراتژی ضد داعش، محکوم به شکست باشد و در واقع، باز هم غرب در همان دامی خواهد افتاد که داعش برای آن تدارک دیده است. دلیل این امر آن است که تحرکات جدید غرب نیز در نهایت، در چارچوبی قابل تعریف است که می‌توان آن را پارادایم کلاسیک تأمین امنیت یا همان «امنیت ملی» دانست که حداکثر بر کنترل و مدیریت مسئله امنیتی (در اینجا تروریسم) تأکید دارد و نه حل ریشه‌ای آن. این رویکردی است که داعش از آن استقبال می‌کند چراکه خود عاملی برای تحریک و برانگیختن، به تکثیر و برآمدن بیشتر گرگ‌های تنها و خودتروریست‌هاست. به همین دلیل بود که مبارزه جرج بوش پسر با القاعده در چارچوب



رویکرد نظامی و اشغال عراق و افغانستان به نتیجه مطلوب نرسید و به شکل گیری داعش انجامید. از این رو، به نظر می‌رسد حملات تروریستی داعش در تیرماه و هدف قراردادن همه بازیگران مؤثر صحنه جهانی، این فرصت استثنایی را برای امنیت جهانی فراهم آورده که همگان در چارچوب رویکرد نوین به امنیت یا همان «امنیت پایدار» با یکدیگر هم‌داستان شده و ائتلاف کنند. پارادایم امنیت پایدار، چنانکه گفتیم به حل ریشه‌ای و خشک کردن بسترهای شکل‌گیری تروریسم باور دارد نه کنترل و مدیریت یا به اصطلاح جمع کردن آن. در این صورت، ائتلاف شکل گرفته می‌بایست در کنار اعمال قدرت علیه تروریست‌ها، بر استقرار عدالت و تأمین حقوق انسانی در عرصه جهانی متمرکز شود که لازمه آن پایان یافتن تحقیر، سرکوب، استبداد و اشغال‌گری در خاورمیانه است. این زبانی است که دول غربی و حکام مستبد تا کنون از آن برای سخن گفتن با مردم منطقه استفاده کرده‌اند و در نتیجه، قاب‌بندی نوعی ضداستراتژی مؤثر در قبال داعش، نیازمند تغییر ریشه‌ای قواعد دستوری این زبان است. در غیر این صورت، در بر همان پاشنه پیشین خواهد چرخید.

نتیجه‌گیری

در پایان ماه ژوئن، (دهم تیرماه) تروریست‌های داعش توسط ارتش عراق از فلوجه بیرون رانده شدند و پس از آن بسیاری در حال فرار از این شهر زیر حملات هوایی تارومار شدند. به علاوه، شبه‌نظامیان داعش در شهر شمالی منبیج در سوریه محاصره شده‌اند و پایتخت خودخوانده این گروه در رقه در خطر قرار گرفته است. این گروه در لیبی هم در آستانه از دست دادن سنگر اصلی‌اش است. در عین حال، نبردهای اصلی هنوز شروع نشده‌اند: رقه و موصل در شمال عراق از بزرگترین شهرهایی هستند که همچنان در تصرف این گروه‌هاست. داعش جدا از وحشی‌گری، توانسته از دیگر گروه‌های سلفی همچون القاعده فراتر رفته و سرزمین‌هایی را به اشغال خود در آورده و بر آن‌ها حکومت کند. با از دست دادن این زمین‌ها امید این گروه و طرفدارانش برای ایجاد سرزمین ایده‌آل خود در حال رنگ‌باختن است. برای همین این گروه در حال تطبیق دادن خود با این وضعیت جدید است و برای این منظور گسترش عملیات تروریستی در لایه‌های دوم و سوم جغرافیایی در سطوح مختلف استراتژی خود اعم از سطوح منطقه‌ای و جهانی را در دستور کار

قرار داده و حداکثر به تغییر تاکتیک در چارچوب همان استراتژی پیشین روی آورده است.

داعش از بسیاری جهات در حال تبدیل شدن به یک سازمان تروریستی عادی بدون سرزمین است. آن‌ها تلاش می‌کنند از سنگرهای خود در رقه و موصل دفاع کنند، اما از سوی دیگر خود را آماده استفاده از تاکتیک‌های چریکی در صورت از دست دادن سرزمین خلافت می‌کنند. محدود شدن قابل توجه قلمرو این گروه، به ویژه در شهرهای رقه و موصل، ادعاهای خلافت را شدیداً زیر سؤال برده و از اقتدار ابوبکر البغدادی می‌کاهد. به همین دلیل است که پروژه خلافت داعش به پیروزی‌های مستمر و قلمرو جدیدی نیاز دارد و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که حملات اخیر داعش در واقع تلاشی ناامیدانه از جانب این گروه برای زنده نگاه داشتن رؤیای این خلافت باشد. داعش سازمانی است که برای پیش‌روی ایجاد شده نه عقب‌نشینی؛ به همین دلیل در این گروه تقاضایی دائمی برای ایجاد فرصت‌های تازه برای هراس‌افکنی و غارت وجود دارد و به گونه‌ای متناقض‌نما، این تقاضا می‌تواند به فرصتی تاریخی برای قربانیان داعش منتهی شود؛ فرصتی برای شکل‌گیری نوعی ائتلاف جهانی ضد داعش که به جای قدرت بر عدالت، به جای کنترل تروریسم بر حل ریشه‌ای آن، به جای تحقیر بر تکریم «دیگران»، به جای سرکوب بر رهایی و به جای زور بر گفتگو و در یک کلمه به جای امنیت ملی بر امنیت جهانی و پایدار تأکید کند و از این طریق راهبردی برای خاتمه تروریسم نوین باشد.

